

دیپلماسی سایبری آمریکا (مطالعه موردی جمهوری آذربایجان)

الهه کولایی^۱

حسن شکاری^۲

مسعود احمدی نیا^۳

بروز انقلاب فناوری در اواخر دهه ۸۰ میلادی زمینه‌ساز تحولاتی شگرف در حوزه ارتباطات و رسانه گردید. رسانه‌های دیجیتال که حاصل این انقلاب فناوری بودند، زمینه‌های جدیدی را برای نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی و مردمی در عرصه روابط سیاسی و دیپلماتیک فراهم کردند. با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌نویسی و امکان اشتراک‌گذاری ویدئوها از طریق فضای مجازی، سیاستگذاران آمریکایی به این نتیجه رسیدند که از این فناوری‌ها در راستای تامین اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی خود استفاده کنند. انتخاب باراک اوباما و تاکید او بر قدرت نرم آمریکا، توجه آمریکایی‌ها را به استفاده از ظرفیت این ابزار در ترمیم چهره بین‌المللی آمریکا و همچنین حمایت از نیروهای همسو با آمریکا در سراسر جهان پیش راند. جمهوری آذربایجان از یک سو به دلیل داشتن منابع انرژی فسیلی از اهمیت استراتژیک بالایی در سیاست اوراسیایی آمریکا برخوردار است. از سوی دیگر، جمعیت جوان و علاقه‌مند به شبکه‌های اجتماعی دارد که نقش مهمی در دیپلماسی سایبری آمریکا ایفا می‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، سعی نویسندگان بر آن است که به این سوال اساسی پاسخ دهند که جنبه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی دیپلماسی سایبری آمریکا چه هستند و چگونه در جمهوری آذربایجان به اجرا گذاشته می‌شوند؟

واژگان کلیدی: دیپلماسی سایبری، آمریکا، جمهوری آذربایجان، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی.

Email: ekolaee@ut.ac.ir

^۱. نویسنده مسئول، استاد دانشگاه تهران، ایران.

^۲. دانشجوی دکتری رشته مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران، ایران.

Email: shekari1366@yahoo.com

^۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات روسیه، دانشگاه تهران، ایران. Email: ahmadinia@ccsi.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۴

مقدمه

با شکل‌گیری انقلاب فناوری در اواخر دهه ۸۰ میلادی تحولی شگرف در عرصه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای ایجاد گردید؛ تحولاتی که موجب اختراع رایانه‌های شخصی، سیستم‌های بی‌سیم، تلفن‌های همراه و دستگاه‌های دیجیتالی دیگر شد. این اختراعات که موجب تحول در کاربرد و استفاده رسانه‌های اجتماعی شد، عرصه رسانه‌ای جدید را به دو عرصه رسانه‌های الکترونیکی و رسانه‌های دیجیتالی تقسیم کرد. ماهیت رسانه‌های جدید که عرصه انتقال پیام را از حالت گفتگوی یک سویه و نخبه‌محور به گفتگویی دوجانبه تغییر داد، خود زمینه‌ساز تحولاتی شگرف در عرصه زندگی اجتماعی و به ویژه سیاست شد. ماهیت سیال و پویای این فناوری، زمینه‌های کنترل دولت‌ها را در این عرصه کاهش و زمینه‌های شکل‌گیری و فعالیت بازیگران غیردولتی را در روند تاثیرگذاری اجتماعی و سیاسی افزایش داد. همچنین رسانه‌های جدید به سبب سرشت غیرمتمرکز خود، زمینه قدرت‌گیری نیروهای حاشیه‌نشین زندگی اجتماعی را افزایش بخشید؛ بازیگران کم‌قدرت و بی‌صدای جهانی به عرصه گفتگوهای سیاسی راه یافتند و زمینه شکل‌گیری سپهر سیاسی در عرصه مجاز و فضای سایبر^۱ فراهم شد.

از طرفی، همگام با فناوری‌های اطلاعاتی، رسانه‌های جدید نیز به سرعت با یکدیگر هماهنگ می‌شوند و بر عرصه سیاست و زندگی اجتماعی مردم و جامعه تاثیر می‌گذارند، همانگونه نیز دولت‌ها را به ورود به این عرصه و استفاده از آن برای دستیابی به اهداف خود ترغیب می‌کنند. دولت‌ها که اکنون در معرض قضاوت‌های عمومی از رفتار و کردار خود می‌باشند و رازهای آنها مانند قضیه ویکی‌لیکس^۲ در معرض افشا قرار دارند، در این فضای جدید می‌کوشند نه به عنوان یک بازیگر در معرض تهدید، بلکه بازیگری هدایت‌گر وارد این بازی جدید شوند و از فناوری‌های جدید به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف و همچنین ترمیم وجهه خود استفاده کنند. یکی از این بازیگران دولتی فعال در این عرصه، دولت آمریکا است که در عرصه جهانی پیشتاز ورود به عرصه سایبری و استفاده از آن برای دستیابی به اهداف دیپلماسی عمومی خود به

^۱. *Cyber Space*

^۲. *WikiLeaks*

- ویکی‌لیکس، سازمانی بین‌المللی است که در سوئد پایه‌گذاری شده و نقدها و فاش‌سازی‌های فضای مجازی از مدارک حساس سازمان‌های دولتی را با نام مستعار منتشر می‌کند و نام و نشان منبع آنها را فاش نمی‌کند.

شمار می‌آید. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر در سیاست بین‌المللی آمریکا پیوسته مفهوم دیپلماسی سایبری^۱ به عنوان جایگزین کانال‌های سنتی انتقال اطلاعات از طریق رادیو، تلویزیون و مطبوعات مورد تاکید قرار می‌گیرد. همچنین ماهیت سیال و توسعه تارنماها و شبکه‌های اجتماعی همانند فیس‌بوک، توئیتر، مای اسپیس و یوتیوب دولت آمریکا را تشویق کرده است که با استفاده از این ابزارها در راستای تأثیرگذاری بیشتر بر ساختار سیاسی دیگر کشورها و تحمیل خواسته‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌های آمریکا در کشورهای هدف گام بردارد.

اگر اولین انقلاب صنعتی در بریتانیا بود، اولین انقلاب فناوری اطلاعات هم در آمریکا بود که البته صبغه‌ای کالیفرنایی داشت. برای درک ریشه اجتماعی انقلاب فناوری اطلاعات در آمریکا، باید به روند شکل‌گیری مشهورترین خاستگاه نوآوری آن، یعنی دره سیلیکن^۲ اشاره شود. دره سیلیکن در جنوب سان‌فرانسیسکو به دلیل گردهم آمدن دانش فناوری جدید در یک پایگاه، فراهم بودن گروه بزرگی از مهندسان و دانشمندان کارآزموده از دانشگاه‌های مهم؛ کمک‌های مالی سخاوتمندانه وزارت دفاع و در مراحل اولیه و رهبری دانشگاه استنفورد به عنوان یک محیط فناوری پا به عرصه حیات گذاشت. تا نیمه دهه ۷۰ میلادی دره سیلیکن ده‌ها هزار پژوهشگر جوان و باهوش از سراسر جهان را جذب کرده بود. آنها در باشگاه‌های نوپا و غیررسمی گرد هم می‌آمدند تا افکار و اطلاعات خود را مبادله کنند. محل یکی از این گردهمایی‌ها باشگاه رایانه‌ای هوم‌بریو^۳ بود که اعضای جوان و خوش‌فکر آن از جمله بیل گیتس^۴ و استیون پاول جابز^۵، ۲۲ شرکت از جمله مایکروسافت^۶ و اپل^۷ را در سال‌های بعد دایر کردند. این شرکت‌ها که پایه‌گذار فناوری‌های جدید ارتباطی در جهان بودند (کاستلز، ۱۳۸۴)، توانستند تحولات شگرفی در عرصه رسانه‌های اجتماعی را فراهم سازند و جهان را از عرصه رسانه‌های الکترونیکی به عرصه رسانه‌های دیجیتالی هدایت کنند. در حالی که رسانه‌های الکترونیکی مانند رادیو و تلویزیون پیام خود را از طریق یک

¹. *Cyber Diplomacy*

². *Silicon Valley*

³. *Homebrew Computer Club*

⁴. *Bill Gates*

⁵. *Steven Paul Jobs*

⁶. *Microsoft Corporation*

⁷. *Apple Computer Inc.*

گفتگوی یک سویه و قابل هدایت از سوی تعدادی هدایتگر فراهم می‌ساختند، رسانه‌های دیجیتال زمینه یک گفتگوی دو طرفه و غیرکنترلی فراهم می‌آوردند (Srinath, 2011).

مقایسه ویژگی‌های رسانه‌های الکترونیکی در برابر رسانه‌های دیجیتال

رسانه‌های الکترونیکی	رسانه‌های دیجیتال
متمرکز	غیرمتمرکز
ارتباطات عمودی	ارتباطات افقی
مخاطب گسترده و دارای تاثیر جهانی	مخاطبان محلی و فردی و دارای تاثیر جهانی
قابل کنترل و هدایت	غیرقابل کنترل و هدایت بودن
محدود بودن تولیدکنندگان	متکثر بودن تولیدکنندگان
تک سویه بودن	دوسویه و دیالوگی بودن
در کنترل دولت و یا نخبگان	در کنترل و اختیار مردم
مصرف کننده بودن کاربران	تولید کننده و مصرف کننده کردن کاربران

جدول تحولات فناوری در عرصه فناوری ارتباطات

وبلاگ‌ها	۱۹۹۷	یوتیوب	۲۰۰۵
ویکیپدیا	۲۰۰۱	توییتر	۲۰۰۶
فیس‌بوک	۲۰۰۴	تلفن‌های همراه هوشمند	۲۰۰۸
تلویزیون‌های هوشمند	۲۰۱۱		

Source: (Артюхин, 2011)

این نوشتار بر محور این پرسش خواهد بود که دیپلماسی سایبری آمریکا چه ابعاد و جهت‌گیری‌های کلی دارد و چگونه در جمهوری آذربایجان اجرا می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش، نویسندگان می‌کوشند، این فرضیه را اثبات کنند که دیپلماسی سایبری آمریکا با دو بعد رسمی و غیررسمی، سعی در کنترل و هدایت جریان افکار عمومی و جامعه جمهوری آذربایجان را دارد. دولت آمریکا قصد دارد با متشکل کردن جریان‌های غرب‌گرا و معترض جمهوری آذربایجان در فضای سایبر، زمینه تحولات دلخواه خود را در این کشور فراهم سازد. این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و منابع فضای مجازی و کتابخانه‌ای جهت اثبات فرضیه خود استفاده خواهد کرد.

چارچوب نظری: دیپلماسی سایبری

با وجود مفروض دانستن تعاریف دیپلماسی (در معنای کلاسیک آن) و دیپلماسی نوین (عمومی) که بازتعریف آنها را غیرضروری می‌نماید، پیش از پرداختن به معنای «دیپلماسی سایبری» لازم است به تمایز این دو مفهوم اشاره کنیم.

تصویری که بیشتر از دیپلماسی سنتی ارائه می‌شود، یک بازی را در معرض نمایش می‌گذارد که نقش‌ها و مسئولیت‌های بازیگران آن به روشنی تعریف شده‌اند؛ اما هنگامی که بحث به فضای فرامردن روابط میان ملت‌ها می‌رسد، آنگاه چنین تصویری دیگر نمی‌تواند مناسبات بازیگران را انعکاس دهد که به سبب کم‌رنگ و یا گاه محوشدن خطوط تمایز پیشین، چندان قابل کنترل و یا حتی قابل پیش‌بینی نیستند (Cooper, 2003:76).

اگر مشخصات دیپلماسی قدیم پنهان‌کاری، غیردموکراتیک بودن، روابط دوجانبه، عمل‌گرایی و هدایت توسط عده اندکی از دولت‌های بزرگ بود، اما دیپلماسی نوین برعکس آن با مشخصاتی چون آشکاری، دموکراتیک بودن، چندجانبه‌بودن، اصول‌گرایی و مشارکت دولت‌های بسیار (حتی دولت‌های کوچک) شناخته می‌شود. در واقع، دیپلماسی نوین به جهت این که هدف آن تاثیرگذاری بر مردم به جای دولت‌ها است؛ در گام نخست، دیپلماسی عمومی نیز نامیده می‌شود. در مراحل بعدی به اقتضای ابزاری که برای اجرای آن به کار می‌رود با عناوین مختلف دیگری مانند دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی سایبری، دیپلماسی تلفن همراه و دیپلماسی دیجیتالی شناخته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های دیپلماسی عمومی، انجام دیپلماسی عمومی در فضای سایبر است که در نتیجه رخداد انقلاب فناوری میسر شده است. دیپلماسی سایبری در ساده‌ترین تعریف آن، استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی روز، برای تبیین، گسترش و ارتقای سطح اثر بخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی است. دیپلماسی سایبری تکامل دیپلماسی عمومی است که استفاده از امکانات جدید ارتباطی در قرن ۲۱ را شامل می‌شود. دیپلماسی سایبری، ابتکارها در فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را با دیپلماسی مربوط می‌کند و به عنوان بخشی از «دیپلماسی عمومی نسخه دوم»^۱، «دیپلماسی عمومی الکترونیکی»^۲ و «دیپلماسی مجازی»^۳ شناخته می‌شود (Olesya, 2006:11).

^۱. Public Diplomacy

^۲. E-Diplomacy

^۳. Virtual Diplomacy

همچنین در دیپلماسی سایبری، مخاطبان چه داخلی و چه خارجی، همه از اعضای جامعه اطلاعاتی^۱ هزاره سوم هستند و قصد دارند سیاست داخلی یا خارجی یک کشور را در حوزه‌های مختلف مربوط به خود در محیطی متفاوت از نهادهای ساختار سنتی عرضه کنند. کشورها جهت اجرای دیپلماسی در عرصه سایبر این نکته را مورد نظر قرار می‌دهند که فضای سایبر و دیجیتال قابلیت دستورپذیری از سوی دولت را ندارد. به عبارت دیگر کاربران فضای مجازی کسانی هستند که برای هر محدودیتی راه‌حلی ارائه می‌دهند؛ اما از سوی دیگر، دولت‌ها تلاش بسیاری را برای کنترل و هدایت این مرکب ناآرام صرف می‌کنند و یکی از اولین پیشگامان این عرصه دولت آمریکا بوده است.

دیپلماسی سایبری آمریکا

روند استفاده از رسانه‌های جدید در دولت آمریکا از ابتدای دهه ۹۰ میلادی آغاز شد، هنگامی که فضای مجازی به سرعت به عنوان یک ابزار مهم در تجارت و زندگی شخصی مطرح گردید؛ اما این مساله که بتوان از این فناوری در دیپلماسی عمومی آمریکا استفاده کرد در اواسط دهه اول قرن ۲۱ مورد توجه قرار گرفت. حتی در برنامه بودجه ۲۰۰۶ دیپلماسی عمومی آمریکا توجهی به فناوری‌های جدید نشده بود و هنوز رسانه‌های سنتی مانند رادیو بیشتر مورد اعتماد قرار می‌گرفتند، اما در سال ۲۰۰۶ کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه وقت اعلام کرد که قصد دارد «پست‌هایی مجازی»^۲ ایجاد کند که مردم به وسیله آن بتوانند با دیپلمات‌های آمریکایی به صورت آنلاین گفتگو^۳ کنند. چند ماه بعد این طرح با ورود وزارت امور خارجه آمریکا به فضای وبلاگ در قالب طرح دیپنوت^۴ جامه عمل پوشید. در ژانویه ۲۰۰۷ اداره برنامه‌های بین‌المللی اطلاعات وزارت خارجه آمریکا، پورتال دیپلماسی عمومی آمریکا^۵ را ایجاد کرد که علاوه بر ارائه اطلاعاتی در مورد سبک زندگی آمریکایی، قالبی برای میزبانی رسانه‌های کنشی مانند وب‌کست‌ها، وبلاگ‌ها، ویدئوها، یوتیوب، توئیتر، فیس‌بوک و حتی «زندگی دوم»^۶ به حساب می‌آمد. اوپاما در دروه اول ریاست جمهوری خود،

^۱. Information Society

^۲. Virtual Posts

^۳. Chat

^۴. Dipnote

^۵. America.gov

^۶. یک جهان مجازی سه بعدی است که کاربران می‌توانند در آن از امکانات چت متنی و صوتی استفاده کنند.

در یادداشتی با عنوان «شفافیت و حکومت آزاد»^۱ به وزارت خارجه آمریکا دستور داد از فناوری‌های «نسخه دوم فضای مجازی» برای گسترش دانش و ارتباطات بین کشورها استفاده شود (The White House, 2009). اوباما در اولین گام برای اجرای این دستور، جودی مک‌هال^۲ رئیس سابق شبکه دیسکاوری^۳ را به عنوان معاون دیپلماسی عمومی و امور عمومی دولت تعیین کرد. انتخاب مک‌هال کسی که شبکه دیسکاوری را به یک گول جهانی با ۱/۴ میلیارد عضو در ۱۷۰ کشور جهان تبدیل کرد، بیانگر رویکرد خاص اوباما به دیپلماسی عمومی و نقش فناوری ارتباطی در آن بود. مک‌هال علل موفقیت خود در دیسکاوری را تلاش برای فهم اهداف مخاطبان و انتقال اطلاعات به روش‌های کاربر-دوستانه^۴ ذکر کرد. سخنرانی مک‌هال در ۱۳ مه ۲۰۰۹ بیانگر رویکرد آمریکا به دیپلماسی عمومی بود، «استفاده از فناوری جدید می‌تواند به شیوه‌ای خلاقانه و کارآمد، بازی را تغییر دهد. توسعه ارتباطات [از یک سو] فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای درگیر کردن مستقیم افراد فراهم کرده و آنها را به یکدیگر مرتبط کرده است و [از سوی دیگر] تلاش‌های دیپلماسی عمومی سنتی را ناکارآمد ساخته است. این فناوری‌ها فرصت‌هایی را برای حرکت از پارادایم قدیم «بلندگوی بزرگ» به «مکالمه بزرگ» فراهم کرده است. ما باید چارچوب‌های نهادی را ایجاد کنیم که بتواند موجب برتری ما در رسانه‌های جدید شود» (Kellerhals, 2009). مهم‌ترین مثال برای تعهد اوباما به سازوکار مجازی دیپلماسی عمومی و ابتکارهای مک‌هال در روش‌های انتشار گسترده سخنرانی اوباما در قاهره بروز پیدا کرد که بر اساس آن نهادهای وزارت خارجه آمریکا از فضای مجازی در قالب‌های گوناگونی چون شبکه‌های اجتماعی، پادکست^۵ پخش زنده سخنرانی در وبسایت کاخ سفید، ترجمه سخنرانی و فرستادن پیام‌های متنی به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و هشت زبان دیگر در خارج استفاده کردند. نسخه‌های ترجمه شده سخنرانی به صورت‌های متنی و ویدئویی در یوتیوب، فیس‌بوک، مای‌اسپیس و اورکات قابل دسترس بود. همچنین کاخ سفید به بحث در مورد این سخنرانی در پورتال حکومت آمریکا پرداخت و به پیام‌های متنی حدود ۲۰ میلیون کاربر عرب پاسخ داد.

¹ Transparency and Open Government

² Judith McHale

³ Discovery Communications

⁴ User-Friendly Ways

⁵ Pod Casts

دیپلماسی سایبری آمریکا دارای دو جنبه رسمی و محرمانه است. جنبه رسمی آن در قالب فعالیت‌های رسمی وزارت امور خارجه و رسانه‌های بین‌المللی به توجیه اقدام‌ها و رفتارهای سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد. جنبه محرمانه آن به سازماندهی گروه‌های مخالف و تقویت جریان‌های غرب‌گرای همسو با آمریکا در عرصه سایبر اختصاص دارد. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ در وزارت امور خارجه، سازمان سیا، وزارت دفاع و همچنین آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا^۱ بیش از ۱۵ شعبه برای کار با مخاطبان فضای مجازی خارجی و به طور خاص برای تحلیل شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی و ملی، وبلاگ‌ها، سالن‌های گفتگو و انتشار اطلاعات مثبت در مورد آمریکا کار خود را آغاز کردند (Dale, 2009).

جهت‌گیری‌های اساسی دیپلماسی سایبری آمریکا

۱. دفاع از آزادی فضای مجازی

کاخ سفید با درک این مسئله که دسترسی دائم به فناوری اطلاعات در کشورهای خارجی از شرایط اصلی برای اجرای دیپلماسی مؤثر است، بر روی ترویج آزادی فضای مجازی در جهان متمرکز شد. هیلاری کلینتون در نطق ۲۱ ژانویه ۲۰۱۰ خود با اشاره به چین، کره شمالی و ازبکستان، محدودیت‌های اعمال شده در فضای مجازی توسط هر کدام از این کشورها را با ایجاد دیوار برلین شبیه دانست. مقام‌های دیپلماتیک آمریکا در خارج از کشور، بودجه طرح‌های «فضای مجازی بدون محدودیت» را افزایش دادند و اقدام‌های محدودکننده در فضای مجازی را نقض حقوق بشر دانستند. فرماندهی استراتژیک ناتو هم در آوریل ۲۰۱۱ تضمین دسترسی به دارایی همگانی، تسهیل دستیابی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را در برابر محدودیت‌های ایجاد شده در برخی کشورها راه وظیفه این سازمان دانست.

۲. توسعه انتقال شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی آمریکا به فضای مجازی

مقام‌های آمریکایی در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ در پاسخ به استفاده گروه‌های جهادی از وبسایت‌های جهانی برای جذب حامیان و تبلیغ خود، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی خود را به فضای مجازی انتقال دادند. ۱۰ ایستگاه و کانال جدید برای کار با مخاطبین خارجی از طریق شبکه فضای مجازی به طور همزمان در خاورمیانه ایجاد شدند.

^۱. USAID

صدای آمریکا و رادیو آزادی که به زبان‌های مردم جمهوری‌های پیشین اتحاد جماهیر شوروی برنامه پخش می‌کنند به فضای مجازی انتقال یافتند و عملیات پخش برنامه‌های مجزا در تارنماهای ویدیویی جهانی مردمی مانند یوتیوب به مرحله اجرا درآمد.

۳. هدایت جنبش‌های اعتراض‌آمیز در بین جوانان از طریق شبکه‌های اجتماعی

وزارت امور خارجه آمریکا به طور ویژه برنامه استراتژیک کاربرد فناوری اطلاعات در سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۱۳ را تصویب کرده است و استفاده از رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، دیپلویدیا^۱، توئیتر، لینکداین تی ام^۲ و کامیونیتی^۳ را به عنوان ابزار دیپلماسی خود در نظر گرفته است. حتی تا پیش از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ نیز، شبکه‌های اجتماعی نقش ابزاری خود را برای بسیج جوانان معترض در کلمبیا، مکزیک و مولداوی نمایان ساخته بودند. در اواخر سال ۲۰۰۸ دولت آمریکا کنفرانسی در نیویورک برگزار کرد که در آن وبلاگ‌نویسان و کاربران جوان فضای مجازی گرد هم آمدند و یک سازمان دائمی تحت عنوان «اتحادیه جنبش جوانان»، با هدف استفاده از فعالیت جوانان در شبکه‌های اجتماعی به منظور ایجاد تغییر موقعیت سیاسی و اجتماعی در کشورهای خارجی راه‌اندازی کردند.

۴. تقویت و تشدید فعالیت مخالفان از طریق وبلاگ‌نویسی و روزنامه‌نگاری فضای مجازی

در پاییز سال ۲۰۱۰ وزارت خارجه آمریکا، برنامه «نسخه دوم جامعه مدنی»^۴ را راه‌اندازی کرد که در چارچوب آن متخصصان فنی این کشور، نمایندگان گروه‌های مخالف و معترض کشورهای خارجی را به منظور دریافت اطلاعات رمزگذاری شده و غلبه بر ترافیک‌های مسدودکننده سیستم‌ها و روش‌های مقابله با سیستم فیلترینگ را آموزش می‌دهند. هدف از چنین طرح‌هایی قبل از هر چیز کار با مخالفان در کشورهای چین، روسیه، ونزوئلا و کوبا بود. همه سازمان‌های غیردولتی که آمریکا بودجه آنها را تأمین می‌کند، اغلب در فعالیت خود بر روی ترویج روزنامه‌نگاری فضای مجازی در کشورهای خارجی متمرکز شده‌اند و به همین منظور فن‌های مبارزه گروهی را علیه مقام‌های دولتی در شبکه

^۱. *Diplopedia*

^۲. *LinkedInTM*

^۳. *Communities*

^۴. *Civil Society 2.0*

آموزش داده برای احزاب فضای مجازی مختلف تبلیغ کرده و فعال‌ترین وبلاگ‌نویسان را انتخاب می‌کنند.

برای ارتباط بین وبلاگ‌نویسان در کل دنیا تارنمای مشهوری تحت عنوان «صدای جهانی»^۱ توسط کارشناسان مرکز برکمن ایجاد شد. این منبع امکان دریافت اطلاعات و اخبار را از وبلاگ‌نویسان کشورهای خارجی فراهم کرده و آنها را به زبان‌های مختلف ترجمه و در شبکه خود منتشر می‌کند.^۲ این مرکز همچنین طرح صدای جهانی تقویت و پایداری همیشگی وبلاگ‌نویسان غرب‌گرا را در تمام دنیا تضمین کرده و ارتباط آنها را با مراکز هماهنگ‌کننده در آمریکا تأمین می‌کند (The Saban Center for Middle East Policy at ..., 2010).

دیپلماسی سایبری آمریکا در جمهوری آذربایجان

باید توجه داشت که با وجود بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی دستگاه سیاست خارجی آمریکا در مورد به کارگیری فضای سایبر برای پیشبرد فعالیت‌های خود در عرصه دیپلماسی عمومی، تحقق همه اهداف سیاست خارجی ایالات متحده در این زمینه تنها از مجاری رسمی و از پیش اعلام‌شده پیگیری نمی‌شود. این بدان معنا است که علاوه بر یک سطح رسمی از دیپلماسی سایبری ایالات متحده [در ارتباط با جمهوری آذربایجان]، باید بررسی یک سطح غیررسمی را نیز در دستورکار قرار داد. البته بررسی شواهد غیر رسمی این موضوع، بیش از آنکه به استفاده از نقل‌قول‌ها، سخنان مستقیم و این نوع مطالب اتکا داشته باشد، بر تجزیه و تحلیل دلالت‌ها^۳ استوار است.

الف) دیپلماسی سایبری رسمی

سفارت آمریکا در جمهوری آذربایجان صفحاتی در فیس بوک و توئیتر دارد که به صورت مستمر به‌روز می‌شود. گزارش برنامه‌ها و دیدارهای انجام‌شده به واسطه سفارتخانه و همچنین ارائه اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی و موقعیت‌های سرمایه‌گذاری در جمهوری آذربایجان و آمریکا از مهم‌ترین فعالیت‌های رسمی آمریکا در حوزه دیپلماسی سایبری رسمی

^۱. Global Voices
<http://globalvoicesonline.org/about>

^۲. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

^۳. Implications

در جمهوری آذربایجان است. همچنین سفارت آمریکا مقدمه شرکت جوانان آذربایجانی در دوره‌های آموزش وبینار^۱ - کنفرانس‌های آموزشی از طریق فضای مجازی - را فراهم می‌کند. سه مرکز آمریکایی - مرکز اطلاعات آموزشی باکو^۲، مرکز اطلاعات آموزشی گنجه^۳ و مرکز آموزشی آمریکا در سومقاییت^۴ - در شهرهای مختلف جمهوری آذربایجان وجود دارند که در زمینه تحصیل در آمریکا به علاقه‌مندان مشاوره می‌دهند. مهم‌ترین مشاوره‌های این مراکز از طریق فضای مجازی انجام می‌شود و سایت‌های رسمی آنها فعال است. فعالیت این مراکز سبب شده است که تعداد دانشجویان جمهوری آذربایجان شاغل به تحصیل در آمریکا در سال ۲۰۱۱ به حدود ۴۴۰ نفر برسد که نسبت به پنج سال قبل رشدی دوبرابری را نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر، وزارت امور خارجه آمریکا برنامه‌ای اجرا می‌کند که در آن سخنگوی رسمی دولت آمریکا به سوالات کاربران فضای مجازی پاسخ می‌دهد. در یکی از این برنامه‌ها بخش مهمی از وقت به چند تارنمای خبری جمهوری آذربایجان از جمله ترندنیوز اختصاص داده شد که از این راه به سوالات افکار عمومی جمهوری آذربایجان در زمینه سیاست‌های آمریکا پاسخ می‌دهد. همچنین تارنمای آذری صدای آمریکا^۵ و رادیو اروپای آزاد^۶ فعالیت خود را به تارنماهای فضای مجازی انتقال دادند و در توئیتر و فیس‌بوک فعال هستند.

سفارت آمریکا در حمایت از فعال شدن فضای مجازی و خبرنگاری مجازی با کمک موسسات همکار خود دوره‌های آموزش خبرنگاری دیجیتال و نهادسازی دیجیتال برگزار می‌کند. در سال‌های اخیر، موسسه ایرکس، انجمن فارغ‌التحصیلان آذربایجانی آمریکا، مرکز آموزش اطلاعات باکو^۷ و دفتر باکو شورای آمریکایی آموزش بین‌المللی، دانشگاه فکر آزاد به برگزاری دوره‌های خبرنگاری آنلاین و ایجاد شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای پرداخته‌اند.

¹. Webinar

². The Baku Education Information Center (BEIC)

³. The Ganja Education Information Center (GEIC)

⁴. The Sumqayit Education USA Center

⁵. Amerikanın Səsi

⁶. Azadlıq Radiosu

⁷. The Baku Education Information Center (BEIC)

ب) دیپلماسی سایبری غیر رسمی

تصمیم‌گیران سیاست خارجی آمریکا از جامعه مدنی به عنوان دارایی استراتژیک آمریکا در کشورهای مخالف یاد می‌کنند و می‌کوشند که از طریق موسسات وابسته مانند سازمان کمک بین‌المللی آمریکا، موسسه کمک ملی برای دموکراسی، موسسه آلبرت اینشتین، موسسه بین‌المللی جمهوری خواهان، موسسه ملی دموکراتیک، موسسه همکاری شرقی، خانه آزادی و بسیاری از موسسه‌های دیگر به تولید نهادهای دموکراتیک بپردازند. این موسسه‌ها در جمهوری آذربایجان نیز از حدود سال ۱۹۹۹ هم‌زمان با بستن قراردادهای نفتی این جمهوری با سرمایه‌گذاران خارجی فعالیت خود را شدت بخشیدند و کوشیدند از جریان‌های غرب‌گرا و همسوی خود حمایت کنند. در ۱۰ مه ۲۰۰۵، دو سال بعد از انقلاب رز گرجستان، جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا که دیداری رسمی از تفلیس داشت، پیامی را به همسایگان گرجستان فرستاد که در عمل فرمان آتش به معترضان آذربایجانی محسوب می‌شد، «ما در دوره‌ای تاریخی زندگی می‌کنیم، دورانی که آزادی در حال پیشروی از دریای سیاه به دریای خزر و از خلیج فارس به ورای آن است. این بذری است که در خاک گرجستان کاشته شده و در سراسر جهان در حال انتشار است» (BBC, 2005).

مرگ حیدر علی‌اف و جانشینی فرزندش الهام فرصتی را برای این نیروها فراهم کرد تا با بهره‌گیری از شکاف موجود در خاندان حاکم و ضعف نهادهای اجرایی و امنیتی در جمهوری آذربایجان و با اتکاء به تجربه سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ و نیز با کمک موسسه‌ها و نهادهای گرجستان - که توانسته بودند انقلابی رنگی در گرجستان را به پیروزی برسانند (کولایی، ۱۳۹۱) - با استفاده از فرصت اعتراض‌های پس از انتخابات، زمینه‌های انقلابی رنگی را فراهم کنند؛ اما با شدت عمل دولت و دستگیری افرادی چون انسان‌اف و فرهاد علی‌اف که رهبران این حرکت در خاندان حاکم بودند، با این تلاش‌ها مقابله شد. پس از این رخدادها، آمریکا طرح جامعه مدنی نسخه دوم را در جمهوری آذربایجان به‌مورد اجرا گذاشت.

پس از اعتراض‌های انتخاباتی سال ۲۰۰۵، ناامیدی شدیدی در میان منتقدان غرب‌گرای دولت به وجود آمد. حدود ۱۱ نفر از فعالان سیاسی جوان در یکی از کافه‌های باکو دور هم گرد آمدند تا به بررسی شرایط و روش‌های تداوم مبارزه بپردازند. همه آنان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های غربی و در پی لیبرالیسم بودند. بیشتر این افراد تا آن زمان

یکدیگر را نمی‌شناختند و با یکدیگر همکاری تشکیلاتی نداشتند. در پایان این جلسه، شرکت‌کنندگان به این نتیجه رسیدند که با توجه به ناتوانی نیروهای مخالف در گذشته، از روش‌های قدیمی مبارزه سیاسی در قالب تلاش برای کسب قدرت از راه رقابت‌های انتخاباتی دوری کرده و به جای آن سعی کنند، زمینه‌های ایجاد یک جنبش اجتماعی مبتنی بر نیروی نسل جوان را فراهم کنند. در این رویکرد جدید، تلاش می‌شود در ذهنیت نسل جوان تغییرهایی ایجاد شود و آنها به سوی مقابله و مبارزه با فساد و خویشاوندگرایی و اعتراض نسبت به روابط جنسیتی ظالمانه هدایت شوند. آنان به این نتیجه رسیدند هر نوع تغییر اجتماعی در جامعه جمهوری آذربایجان، تنها از طریق فعالیت‌های فرهنگی میسر است (ESI report, March 2011: 17). به نظر ایلکین قنبر^۱ فرزند عیسی قنبر^۲ (رئیس حزب مساوات جمهوری آذربایجان، یکی از حاضرین نشست یاد شده)، آنها تصمیم گرفتند سازمانی ایجاد کنند که هدف آن متشکل کردن فعالیت‌های جوانان و همچنین ارتقای مهارت‌های رهبری و کار گروهی باشد (ESI report, March 2011: ibid). پس از گذشت چند ماه در ۱۱ فوریه ۲۰۰۶، گروه اول^۳ (به معنای باش) تشکیل شد که شعار آن «آیا می‌خواهید تغییر را ببیند؟ پس تغییر کنید»^۴ بود. اگرچه، این تشکیلات به صورت رسمی موجودیت خود را ثبت نکرد ولی با همکاری دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد طرح‌های مشترک انجام می‌داد. این سازمان در جذب اعضای جدید با احتیاط عمل می‌کرد و داوطلبان عضویت جدید باید از اعضای فعلی گروه معرفی‌نامه می‌آوردند تا از ورود افراد نفوذی به تشکیلات جلوگیری شود. هرچند که شمار اعضای اصلی این تشکیلات به ۲۰۰ نفر می‌رسید، اما صدها نفر در فعالیت‌های مختلف گروه مشارکت داشتند (ESI report, June 2011: 2).

انتشار پیام‌های این سازمان مبتنی بر دو ابزار انتقال کلامی و رسانه‌های اجتماعی است. این گروه صفحه یوتیوب خود را در سال ۲۰۰۵، فیس‌بوک خود را در سال ۲۰۰۶ و توئیتر و پلاتفورم وبلاگ^۵ خود را در سال ۲۰۰۷ ایجاد کرد. در اساسنامه این گروه که محل

^۱. Elkin Ghanbar

^۲. Isa Ghanbar

^۳. OL

^۴. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<http://antv.ws> and <http://youtube.com/user/olmedia>

<http://ol-en.blogspot.com/>

^۵. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

فعالیت اصلی آن فضای مجازی است، آمده که اعضای آن از هیچ حزب سیاسی و یا رهبر حزبی حمایت نمی‌کنند و سه اصل تساهل، عدم خشونت و نوگرایی اساس فعالیت آنها را تشکیل می‌دهد (ESI report, March 2011: 18).

گروه اوّل برای رسیدن به هدف خود که همان تغییرهای اجتماعی بود، اولویت خود را اصلاحات در بخش آموزش و مبارزه با کیفیت پایین سیستم آموزشی و فساد آموزشی تعیین کرد. روسلان اسداف^۱ از اعضای این گروه معتقد است، بسیاری از دانشگاه‌ها در جمهوری آذربایجان به دلیل فساد و کنترل امنیتی دولت، ناکارآمد هستند و به علت نبود آزادی در دانشگاه‌ها، دانشجویان جوان نمی‌توانند ایده‌های خود را مطرح کنند (ESI report, March 2011: 18).

از طرفی، سخنرانی‌های هفتگی گروه اوّل در محل اتحادیه فارغ‌التحصیلان آمریکا در مرکز باکو که در سال ۲۰۰۷ برگزار می‌شد، زمینه‌ساز تأسیس «دانشگاه فکر آزاد»^۲ در سپتامبر ۲۰۰۹ شد. این مرکز از ابتدای شکل‌گیری، از کمک‌های مالی و سیاسی دولت آمریکا برخوردار بوده است و موسسه «بنیاد همکاری منطقه‌ای دریای سیاه»^۳، موسسه «موقوفه ملی برای دموکراسی»^۴ وابسته به کنگره آمریکا و به ویژه شخص سناتور جان مک‌کین به آن کمک‌های مالی و فنی فراوانی ارائه کرده‌اند. این مرکز تا ژوئن ۲۰۱۰ توانست حدود ۱۰۰ سخنرانی و سمینار برگزار کند (German Marshall Fund of the United States, 2010) که یکی از مهم‌ترین سخنرانان آن متیو بربایزا^۵ سفیر سابق آمریکا در جمهوری آذربایجان و عضو هیات مدیره کنونی موسسه جیمز تاون^۶ بوده است. به منظور تبیین بهتر روش فعالیت سیاسی اعضای این گروه می‌توان به اقدام‌های عدنان حاجی‌زاده اشاره کرد. عدنان حاجی‌زاده فرزند حکمت حاجی‌زاده نویسنده و سفیر سابق جمهوری آذربایجان در روسیه، مغز متفکر گروه اوّل است. وی به عنوان مدیر بخش رسانه‌ای گروه اوّل کلیپ‌هایی طنزآمیز با لحنی انتقادی تهیه کرده بود که در آن تلاش می‌گردید به تاسی از شخصیت طنزآمیز ملانصرالدین،

¹. Ruslan Asadov

². FTU, Azad Fikir Universiteti

³. The Black Sea Trust for Regional Cooperation

⁴. National Endowment for Democracy

⁵. Matthew Bryza

⁶. James Town Institute

موضوع‌هایی در ارتباط با فلسفه سیاسی و همچنین نقد اجتماعی و فرهنگی مردم جمهوری آذربایجان تصویر شود. برای درک بهتر این رویکرد، می‌توان به کلیپ «شما به چیزی اعتقاد دارید؟» مراجعه کرد که در آن، مصاحبه‌کنندگان از جوانان در مورد اعتقاد آنها می‌پرسیدند و افراد به این سوال پاسخ‌هایی چون خدا، عدالت، دموکراسی و یا عشق می‌دادند. این کلیپ حدود ۳۴ هزار بار در یوتیوب دیده شده است.^۱ همچنین می‌توان به ویدئویی دیگر با عنوان «چون که من آذربایجانی هستم»^۲ اشاره کرد که به وضعیت‌های مختلف زندگی در جمهوری آذربایجان می‌پردازد و در آن فرهنگ رفتاری مردم مورد انتقاد قرار می‌گیرد.^۳ معروف‌ترین و پربیننده‌ترین کلیپ گروه اول، کلیپ مصاحبه مطبوعاتی با الاغ بود که در اعتراض به جشن روز گل در سال ۲۰۰۹ و صرف هزینه‌های غیرمنطقی و بالای آن تهیه شده بود. این کلیپ اسباب دستگیری سازندگان خود را فراهم آورد (که در مجامع خارجی به مسئله وب‌لاگ‌نویس‌ها معروف شد) و موجب شکل‌گیری اعتراض‌هایی هم در باکو گردید (ESI report, June 2011: 16).

در ژوئن ۲۰۰۸ گروه اول و شبکه فارغ‌التحصیلان، نشستی را در تفلیس سازماندهی کردند که در آن «طرح اقدام جمهوری دموکراتیک آذربایجان»^۴ مطرح شد تا ارزش‌ها و ایده‌های این دولت به جمهوری آذربایجان بازگردد. همچنین اعضای گروه اول و شبکه فارغ‌التحصیلان امضاهایی را جمع‌آوری کردند که از دولت می‌خواست بودجه بیشتری را برای بورسیه کردن دانشجویان در دانشگاه‌های خارجی اختصاص دهد. در این دوره امین میلی^۵ توانست به عنوان یکی از رهبران نسل فیس‌بوکی تحصیل کرده در غرب شناخته شود. او لیسانس خود را در سال ۱۹۹۹ در دانشکده حقوق بین‌الملل دانشگاه دولتی باکو گرفت و بعد از چند ماه فعالیت در «موسسه بین‌المللی جمهوری خواهان»^۶ به آلمان رفت و در سال ۲۰۰۲ از رشته حقوق دانشگاه ساربروکن^۷ فارغ‌التحصیل شد. او پس از بازگشت با

^۱ Siz Nəyə İnanırsınız? YouTube, Posted on 29 November 2006, <http://www.youtube.com/watch?v=99YcHcw899YcHcw8aiAaiA>.

^۲ Cunku Men Azerbaycanliyam

^۳ See —Because I am Azerbaijani, Videos (in Azeri) on the European Stability Initiative Interview Website.

^۴ ADR Action Plan

^۵ Emin Milli

^۶ International Republican Institute (IRI)

^۷ Saarbrücken

سازمان‌های مختلف بین‌المللی همکاری داشت. برای نمونه، ارائه مشاوره به هیات ناظر انتخاباتی سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال ۲۰۰۵ و مشاوره به شورای اروپا در ارتباط با حدود ۴۰ مورد از زندانیان سیاسی در جمهوری آذربایجان قابل اشاره است.^۱ امین معتقد است که آذربایجانی‌هایی که در غرب تحصیل کرده اند، به علت این که تجربه زندگی در یک فضای لیبرال دموکراسی را دارند، بهتر می‌توانند در توسعه دموکراسی در جمهوری نقش ایفا کنند. به همین جهت او در سال ۲۰۰۵ شبکه فارغ‌التحصیلان را در باکو تاسیس کرد که عضویت در آن فقط به شکل ایمیل بود. موضوع سخنرانی‌های این گروه که نشست‌های آن در دفتر شورای فارغ‌التحصیلان آمریکا برگزار می‌شد، مشاوره در زمینه‌ی تحصیل در خارج بود و در ادامه به مسایل اجتماعی از جمله نظریات سیاسی هابرماس و نظریه «سپهر عمومی» او نیز پرداخته شد (ESI report, march 2011: 22). به نظر امین جنبش فیس‌بوکی نیاز به عمق تئوریک بیشتری دارد. او در ایمیلی که به دوستان خود زد، فهرستی از کتاب‌های مورد نیاز را معرفی کرد که بتواند استراتژی و روش‌های مبارزه را تغییر دهد. مهم‌ترین کتاب از نظر او کتاب «قدرت بی‌قدرت‌ها»^۲ نوشته واتسلاو هاول است که نویسنده در آن معتقد است که در رژیم‌های توتالیتر هنگامی مبارزه معنی می‌یابد که همه افراد به عرصه اجتماع آورده شوند.

بررسی موردی یکی از واکنش‌های حکومت جمهوری آذربایجان به عنوان دلالت

ثانوی

دهم مارس ۲۰۱۳ سایت خبری-تحلیلی حقین‌آز^۳ در گزارشی به قلم عین‌الله فتح‌الله اف^۴ سردبیر و مدیرمسئول خود با عنوان «دو میلیون دلار برای انقلاب فیس‌بوکی» ادعا کرد شعبه مؤسسه آمریکایی دموکراتیک ملی^۵ در جمهوری آذربایجان خارج از

۱. جهت دسترسی به اطلاعات بیشتر در مورد امین و عدنان رجوع کنید به:

<http://adnanemin.wordpress.com/>, set up by Azeri bloggers.

۲. Power of the Powerless

۳. Haqqin.az

۴. روزنامه نگار مخالف پیشین و همکار المار حسین‌اف (در سال ۲۰۰۵ ترورشده) در هفته‌نامه جنجالی مونیتورژورنال. وی پس از آزادی از زندان با وجود حفظ ژست‌های مخالف خویش در چرخش عملی آشکار نسبت به جهت‌گیری‌های قبلی خود در مقام دفاع از حکومت خاندان علی‌اف و سایر نخبگان حاکم در حلقه نزدیکان این خانواده، ظاهر شد.

۵. National Democratic Institute (NDI)

چارچوب‌های کاری خود یعنی دیپلماسی عمومی، از سال ۲۰۰۹ با استفاده از ابزار فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی در تدارک ایجاد شرایط لازم برای راه انداختن انقلاب رنگین در این جمهوری بوده است (Fatuллаev, 2013).

بر اساس این گزارش، آکس گریگوری‌یفس^۱ که نخستین بار در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ به عنوان مدیر شعبه مؤسسه دموکراسی ملی در جمهوری آذربایجان به باکو سفر کرده بود در مدت اقامت و فعالیت خود در این جمهوری، نزدیک به دو میلیون دلار برای پیشبرد برنامه‌های خود هزینه کرد (Fatuллаev, 2013).

نتیجه‌گیری

دیپلماسی در عصر جدید، متناسب با ابزارهای فناوری در حال تکامل و توسعه است. زمانی دیپلماسی در پشت درهای بسته شکل می‌گرفت و مردان سرنوشت‌ساز می‌توانستند با تصمیم‌های خود تاریخ را شکل دهند، اما در عصر جدید نه تنها دیگر این امر ممکن نیست، بلکه همانگونه که تجربه نشان می‌دهد، صرف تنظیم روابط و اجرایی کردن تصمیم‌های دیپلماتیک در سطح حکومت‌ها و دولت‌ها، حکم بناکردن عمارتی را دارد که به سبب نبود پایه‌ها و ستون‌های محکم، احتمال فرو ریختن آن در اثر تکانه‌های ناشی از رخدادها وجود دارد. در دنیای جدید، گروه‌های پیشین حاشیه‌نشین در سیاست، یعنی مردم وارد صحنه دیپلماسی شده و با استفاده از فناوری‌های جدید سایبری، قدرت و کنترل جهانی مطلق را از دست سیاستمداران و سیاست‌بازان خارج ساخته‌اند. به طور طبیعی در این میان، دستگاه‌های متولی سیاست خارجی و به ویژه دیپلماسی نیز همگام با این تحولات در پی گسترش توانایی‌های خود هستند. البته این نوسازی و توسعه در اثر جبر ناشی از تحولات نبوده است. در واقع، تحولات جدید علاوه بر الزام‌ها و اقتضاهایی که برای حکومت‌ها ایجاد کرده‌اند، فرصت‌های استثنایی و جدیدی نیز در برداشته‌اند که امکان ارتقای نتایج با استفاده از کم‌ترین درگیری فیزیکی و سخت‌افزاری را در اختیار متولیان سیاست خارجی و دیپلماسی قرار داده است. البته طبیعی است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تحولات، کاهش

^۱ وی اهل مولداوی و فعال شناخته‌شده در حوزه‌های اجتماعی در کشورهای گرجستان، مولداوی، اوکراین، روسیه و جمهوری آذربایجان است. گریگوری‌یفس را در کشورهای مختلف (گرجستان، مولداوی، اوکراین و ...) که وی در آنها سابقه کار داشته است، با عناوینی مانند «پدر»، «سرفرمانده» و «قاصد دموکراسی» خوانده می‌شد.

تهدیدهایی است که در روند شکل‌گیری دیپلماسی، می‌تواند به طور بالقوه متوجه امنیت ملی کشور عامل شود.

دولت آمریکا به عنوان کشوری پیشرو در عرصه تولید و استفاده از فضای مجازی و فناوری‌های جدید ارتباطی، تلاش کرده است از این ابزار جدید بیشترین استفاده را داشته باشد و با اتخاذ استراتژی قدرت هوشمند که ترکیب ابزارهای مختلف قدرت در عرصه مسایل سیاست خارجی را مطرح می‌سازد، از این ابزار بسیار نو در جهت گسترش ارزش‌های لیبرالی، تحقق اهداف هژمونیک و تقویت نیروهای خود در جهانی که غرب‌ستیزی در آن گسترش می‌یابد، بهره‌مند شود. دیپلماسی عمومی در ترکیب با دیپلماسی سایبری و دیپلماسی دیجیتالی و تقویت شبکه‌ای جدید از نیروهای همسو با غرب در قالب جامعه مدنی نسخه دوم، از اصلی‌ترین رویکردهای آمریکا در اجرای سیاست خارجی این کشور در دوره اوباما بوده است.

دیپلماسی سایبری آمریکا در جمهوری آذربایجان نیز از این قاعده جدا نبوده و آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در منطقه قفقاز برای حمایت و تقویت نیروهای غرب‌گرا در جمهوری آذربایجان کوشیده است. سفارت آمریکا با بهره‌گیری از دیپلماسی سایبری رسمی صفحه فیس‌بوک و توئیتر ایجاد کرده است. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی و برگزاری وبینارها^۱ توسط سفارت آمریکا نیز در همین زمینه قابل تبیین است. از سوی دیگر، حمایت آمریکا از تشکل‌ها و گروه‌های مجازی و حمایت موسسه‌های آمریکایی از فعالان عرصه مجازی جمهوری آذربایجان در قالب جنبه دیگر دیپلماسی آمریکا یعنی دیپلماسی سایبری غیررسمی قابل بررسی است.

آمریکا در ارتباط با فضای پسا شوروی و جمهوری آذربایجان هم این فرصت را داشته که از نتایج نخستین تجربیات عملی خود در این عرصه که مهم‌ترین بخش‌های آن «هدایت‌پذیری بیشتر» و «قابلیت پیش‌بینی دقیق‌تر» است نیز بهره‌برد. نتیجه آنکه حاصل این فرآیند می‌تواند رسیدن یا رساندن فضای جامعه (به عنوان بستری برای شکل‌گیری تحولات) به آستانه‌ای باشد که با کم‌ترین تکانه و کوچکترین انگیزشی وارد مرحله ناآرامی و آشوب شود. طبیعی است که در کمینه‌ترین حالت، جامعه‌ای با این ویژگی‌ها (ناشی از آستانه

^۱. Webinars

پایین تحمل مدنی) حکم «چماق^۱» و یا همان ابزار فشاری را پیدا می‌کند که فراتر از قدرت چانه‌زنی می‌تواند میزان اثربخشی تهدیدهای آمریکا علیه حاکمیت باثباتی مانند جمهوری آذربایجان را افزایش داده و رهبران این جمهوری را به گرفتن تصمیم‌هایی وادار سازد که از جنبه‌های بسیار به ویژه موقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در تضاد با الزام‌های واقع‌گرایی باشد.

^۱. stick

منابع و مأخذ

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، *عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، جلد دوم، ترجمه احمد علیقلیان و حسن چاوشیان، تهران: طرح‌نو.
- کولایی، الهه، *افسانه انقلاب‌های رنگی*، تهران: میزان

- BBC (2005), "Bush's speech in Georgia", Available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4534267.stm> (10 May 2005). Accessed on: 2010/2/14.
- Cooper, Robert, (2003), *the Breaking of Nations: Order and Chaos in the Twenty-First Century*, London: Atlantic Books.
- Dale, Helle C. (2009), *Public Diplomacy 2.0: Where the U.S. Government Meets New Media*, No. 2346, Washington: Heritage Foundation.
- ESI report (June 2011), *Generation Facebook on Trial*, Berlin – Brussels – Istanbul: European Stability Initiative.
- ESI report (March 2011), *Generation Facebook in Baku. Adnan, Emin and the Future of Dissent in Azerbaijan*, Berlin – Istanbul: European Stability Initiative.
- German Marshall Fund of the United States, (2010), "Success Stories: Free Thought University", Available at: http://www.gmfus.org/blacksea/success_stories. Accessed on: 11/5/2012.
- Kellerhals, Merle David (2009), "State's McHale to Spearhead U.S. Global Public Engagement" (02 Jun 2009) Available at: <http://uspolicy.belgium.usembassy.gov/headline/state%E2%80%99s-mchale-spearhead-us-global-public-engagement>. Accessed on: 5/9/2012.
- M Grech, Olesya (August 2006), *Virtual Diplomacy - Diplomacy of the Digital Age*, (A dissertation presented to the Faculty of Arts in the University of Malta for the Degree of Master of Arts in Contemporary Diplomacy), Malta: University of Malta .
- Srinath, Ingrid (2011), "Civil Society: The People's Power", *Journal Cultivating Civil Society (U.S. Department of State)*, Vol. 16, No. 3.
- The Saban Center for Middle East Policy at Brookings (2010), "Transformative Partnerships in U.S.-Muslim World Relations: Empowering Networks for Community Development and Social Change", *The Brookings Project on U.S. Relations with the Islamic World 2010*, (U.S. Islamic World Forum Papers), Available at: http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2010/6/us%20muslim%20relations%20mandaville/06_us_muslim_relations_mandaville. Accessed on: 1/8/2012.

- *The White House (2009), "Transparency and Open Government: Memorandum for the Heads of Executive Departments and Agencies" (21 January 2009), Available at:*

http://www.whitehouse.gov/the_press_office/TransparencyandOpenGovernment. Accessed on: 5/9/2012.

- *Артюхин, Валерий Викторович (2011), РЕАЛЬНОСТЬ 2.0: Современная История Информационного Общества, ISBN 978-5-9902715-2-4, Самиздат: © Артюхин В. В.*

- *Фатуллаев, Эйнулла (10 Марта 2013), «2 Миллиона долларов на "фейсбукскую революцию" в Азербайджане», Available at: <http://haqqin.az/oldage/4379>. Accessed on: 10/03/2013.*